

## تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1393/08/24



موضوع: تحقیق تکمیلی درباره حکم غسله استنجا

سید طباطبایی قدس الله نفسه الزکیه فرمودند: «يجوز استعمال غسله الاستنجا فی التطهیر علی الاقوی و کذا غسله سائر النجاسات علی القول بطهارتها و اما علی المختار من وجوب الاجتناب عنها احتیاطاً فلا[1]». این بحث را مطرح کردیم و گفتیم که فقهای که می فرمایند: غسله استنجا را می شود در تطهیر مورد استفاده قرار داد یعنی با غسله استنجا تطهیر و ازاله خبث ممکن است، ادله ای که در این رابطه داشتند، اطلاقات نصوص بود که آن اطلاقات اجمالاً گفته شد. باب 1 و 2 و 8 از ابواب نجاسات که شرحش را دادیم. بعد از که ادله گفته شد در آن اطلاقات می بینیم که فقط دستور به تطهیر نجاست و شیء متنجس به وسیله آب اعلام شده است که می توان متنجسات را با آب تطهیر کرد. این ما حصل مدلول نصوص بود. اما عنوان مطهر در آن نصوص ماء بود، فقهاء سید الحکیم و سیدنا الاستاد و سید طباطبایی این سه فقیه بزرگوار می فرمایند: آب اطلاق دارد، آب شامل آب غسله نجاست هم می شود و آن هم ماء يجوز به التطهیر. و بعد تمام استدلال تا این حد بود.

ادله عدم جواز تطهیر به ماء استنجا

در این رابطه ابتداءً گفته می شود که نصوصی که اطلاقات آن مورد استناد قرار گرفته است، در جهت جواز تطهیر به غسله استنجا دلالت آن نصوص کامل نیست. اطلاقی که شامل غسله استنجا بشود، وجود ندارد. لذا گفته می شود که اطلاق آب انصراف دارد به آب عادی و آب متعارف در بین ایدی الناس. آبی که استفاده شده است و آن هم برای رفع خبث، غسله استنجا است، اطلاق آب منصرف از آن است. این انصراف را که این دسته از فقهاء اعلام می کنند، سید الحکیم جواب داده است، جوابش این بود که فرمود: انصراف ممنوع است. اینجا وارد یک بحث مفصل خوب و قابل توجهی شدیم که نکاتی در ضمن کلمات

است و خیلی مفید است. گفتیم شرائط تحقق انصراف چیست، و مانع اعتبار انصراف چیست. این دو تا نکته را گفتیم. ما آنجا گفتیم که اولاً این انصراف وجود دارد، یک نکته تکمیلی در بحث انصراف، اگر انصراف مورد تردید قرار گرفت، رأی جدید این است که انصراف و همینطور عرف و تبادر به مجرد ادعاء نمی تواند کارساز باشد. ما که در فقه می بینیم فقهاء اعلام می کنند ظهور، یک فقیه اعلام می کند عرف، اعلام می کند تبادر، اعلام می کند انصراف. اما از آن سلف صالح اگر سوال کنیم که بعضی ها می گویند این تبادر عکس است، و آنجا من رفتم تحقیق کردم، دیدم این انصراف طور دیگر است. همان را فقیه پیشکوست این حقیر می گوید پس باید تحقیق کنید.

در ظهور و تبادر و عرف و انصراف تحقیق میدانی لازم است  
لذا رأی و نظر جدید را می تواند مثلاً شهید صدر بگوید، که رأی جدید این است که در ظهور و عرف و تبادر و انصراف تحقیق میدانی لازم است، خاستگاه و جایگاه تحقق انصراف موارد خودش است، عرف هم موارد خودش است، باید تحقیق میدانی انجام بگیرد. تحقیق میدانی یعنی نمونه برداری از موارد. این یک نکته جدید و درستی است. با این نکته که بیشتر علمی و حقوقی است تا فقهی. از لحاظ حقوقی قضیه از این قرار است. لذا دو تا عرف متضاد گاهی دیده می شود، دو تا انصراف گاهی متضاد دیده می شود، دلیلش این است که تحقیق میدانی وجود ندارد. گفتم هر کجا که انصراف تعارض کرد یا عرف تعارض کرد، در حقیقت تساقط نمی کند اما خود عرف و انصراف از اساس محقق نشده، چون تحقق آن این است که آنجا را پوشش بدهد و اگر خلاف باشد پس محقق نشده. اگر اشکال بشود که تا حالا فقهاء که می گفتند درست می گفتند، چون معلومات داشتند و تحقیقات میدانی ممکن است بالواسطه باشد، معلوماتی دارد، فقهاء اطلاعات دارند ولی احياناً بعضی از موارد که عرف متضاد می بینیم، آنجا یا عصر فرق داشته است یا تحقیق میدانی وجود نداشته و الا کار فقهاء درست بوده و تحقیق میدانی مباحثی لازم نیست، تسبیبی هم ممکن است. بنابراین درباره انصراف این مطلب که گفته شد که اولاً انصراف محقق است و به تعبیر محقق خراسانی شهادت وجدان که در کفایه الاصول اصطلاح کلام نفسی یعنی زبان حال و شهادت وجدان یعنی تحقیق میدانی. اولاً شهادت وجدان نشان می دهد که اگر پرس و جو کنیم، غسله استنجا را برای تطهیر کسی مناسب نمی داند، این امر وجدانی است و آب مطهر را شامل آب استفاده در استنجا از حیث حکم کسی قبول نمی کند، این اولاً، انصراف درست است. بر فرض که انصراف درست نباشد، دو ادعای متقابل می شود، انصراف و عدم انصراف. سید الحکیم می گوید عدم انصراف و قول به عدم جواز می گوید انصراف. بعد از که این دو تا ادعاء متقابل شد، هر دو انصراف و عدم انصراف کنار گذاشته شود و اطلاق معنایش عدم انصراف است، و دیگر عدم انصراف ثابت نیست و اطلاق صدمه می بیند.

ادله عدم جواز

ادله ای که در این رابطه می توانیم بکار ببریم تا اعلام کنیم که تطهیر به وسیله غسله استنجا جایز نیست، اولاً دلیل بر مطهریت آن وجود ندارد. به قول محقق قمی عدم الدلیل دلیل بر عدم است. 2. غسله استنجا اصل طهارتش یا مورد عفو است یا مرفوع به وسیله

نفی حرج و عسر که قطعاً از موارد نصوص دالّ بر طهارت ماء استنجا به خوبی استفاده می شود که براساس نفی عسر و حرج ترشحات غساله استنجا محکوم به طهارت است، آن هم حامل اجزاء نجس نباشد. و بعد از که براساس حرج و عسر بود، قاعده ای را در کنار قاعده بگذارید که آن قاعده الضرورات تتقدر بقدرها، عسر و حرج از سنخ ضرورات است، به اندازه خودش حامل حکم است، به اندازه ضرورت دارای حکم است، خارج ضرورت آن حکم دیگر وجود ندارد. آن اندازه ضرورت این است که آن ترشحات نجس نباشد و تنجیس نکند. این حد ضرورت است اما آن غساله مطهر هم باشد، خارج از محدوده ضرورات تتقدر بقدرهاست. بنابراین یا از باب قاعده نفی عسر و حرج است یا از باب عفو است. اگر از باب عفو باشد معنایش این است که نجس است، ولی مورد عفو قرار گرفته است، آن هم که مورد عفو قرار بگیرد ماهیت نجسی آن محفوظ است. پس نجس مطهر نیست.

سوال: از باب عسر و حرج هم که باشد نجس است.

جواب: از باب حرج از جهت دیگری وارد می شویم، می گوییم نفی حرج حکم را برمی دارد، حکم را اگر برداشت اگر تماماً برداشت فرض کنید نجس هم باشد، حکم را تماماً برداشته و می تواند برای تطهیر هم به کار برود ولی نفی حرج که آمد، حرجاً حکم را برداشت، گفت الان این غساله استنجا محکوم به نجاست حرجاً، حرجاً ادله نفی حرج که ادله واقعیه است منتها واقعیه ثانویه است، واقعیه که بود، دیگر اصلاً برداشته است حکم را واقعاً، منتها دیگر نجس نیست، منتها آن رفع محدود است به حدود خودش که الضرورات تتقدر بقدرها. پس اولاً. دلیل نداریم و ثانیاً با مراجعه به ادله طهارت ماء استنجا که طاهر است نه مطهر، حرج و عفو باشد که هر کدام را که در نظر بگیریم مطهریت از آن استفاده نمی شود. دلیل چهارم هم مویدی داریم از کلام شیخ طائفه، شیخ طائفه قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «الماء الذی یزال به النجاسة نجس»، دلیلش را بیان می کند که اختصار آن لقاعده الانفعال است. بعد می فرماید: «و الوجه ان ذلک عفی عنه للمشقة»، قاعده عسر و حرج، این غساله ای که از تطهیر نجاسات باشد یا غساله استنجا باشد، اینها عفو شده اند للمشقة [2]، این را موید گفتیم برای اینکه شیخ این را در مورد غساله نجاسات به کار می رود نه غساله استنجا. پس از ضمن کلام شیخ دو مطلب استفاده کردیم: یک مطلب این شد که غساله سایر نجاسات غیر از غساله استنجا که نجس است و حتی از کلام ایشان هم این نکته را استفاده کردیم که در تطهیر نجاسات غسله اخیره ملاقات می کند آن ملاقات چطوری نجس نمی شود؟ فرموده است عفی للمشقة، استفاده کردیم که عفو اساسش مشقت است. مشقت که بود، می شود موید برای قاعده نفی و حرج. براساس قاعده نفی حرج که شد الضرورات تتقدر بقدرها، فقط می گوییم غساله ترشحات نجس نیست نه اینکه بگوییم می تواند مطهر باشد. دلیل پنجم در بحث قبلی گفتیم که اجماعات و نص خاص روایت عبدالله بن سنان [3] است و اجماعات اعلام کرده بود که به وسیله غساله استنجا رفع حدث امکان ندارد و روایت هم گفته بود که آبی که در غسل جنابت به کار برود، دیگر نمی شود با آن آب وضو گرفت. اگر گفته بشود که آدم اول تطهیر می کند خودش را بعد غسل جنابت می کند، آب غسل جنابت جداست. آن در فرضی است که بسیار فرض نادری است. مثلاً. دو تا حمام باشد، یک حمام تنظیف کنید خودتان را و حمام دیگر بیابید غسل جنابت کنید، آن موقع

اشکال ایشان وارد است، ولی اگر که یک جا باشد، غسل هر دو مخلوط می شود، قبل از غسل جنابت بدن را تطهیر بکند، تطهیر که بکند بعد غسل جنابت هم بکند، غسل یکی است، غسل استنجا هم همراه غسل جنابت است. این روایت بود منتها اشکال این روایت را سید می فرماید که اگر سندش ضعیف باشد، حمل به استحباب می کنیم. بعد از که گفت تطهیر به وسیله غسل استنجا در جهت رفع حدث امکان ندارد، ما استفاده می کنیم که اینجاست آن مذاق شرع، می گوییم در مذاق شرع و فقه تفکیک بین آثار یک موضوع که از سوی شرع جعل شده باشد، وجود ندارد. اگر آب خاصیت مطهریت از خبث را داشت، از حدث هم دارد. منظور ازاله عین نیست بلکه تطهیر شرعی است. و اگر آب قابلیت تطهیر حدثی را نداشت، قابلیت تطهیر خبثی هم ندارد. تفکیک در آثار یک موضوع که به واسطه جعل شرعی آن آثار مترتب باشد، طبق تتبع در مذاق شرع تفکیک وجود ندارد. پس از که می گوییم بالاجماع و بالنص تطهیر به وسیله ماء استنجا درباره رفع حدث ممکن نیست، می گوییم تفکیک نیست، رفع خبث هم ممکن نخواهد بود. بلکه ادعای اولویت هم بعید نیست. برای اینکه تطهیر حدث اخف است، تطهیر خبث اثقل است. وقتی که تطهیر به اخف ممکن نبود، تطهیر به اثقل بالاولویه ممکن نیست. دلیل ششم عبارت است از مخالفت با علم، گفته بودیم اگر اصول و قواعد که موضوعش شک است، اگر مخالف علم باشد و یا مخالف اطمینان باشد جایی برای جریان قاعده و اصل وجود ندارد. ماء استنجا یقیناً علم داریم که آلوده شده، و الان هم که پس از اتمام ماء استنجا یک جا جمع می شود اقلأً اطمینان داریم که آلوده است، قاعده مخالف علم و اطمینان جاری نمی شود. دلیل هفتم که سید الحکیم اشاره می کند استصحاب، که دو تا استصحاب می توانیم جاری کنیم: استصحاب به خود ماء غسل و استصحاب به عدم حصول تطهیر در شئ مورد استفاده. شئ مورد استفاده فرض کنید که منجس بود، با غسل استنجا تطهیر شد، شک می کنیم طهارت حاصل شد یا نه، می شود اصل عدم و استصحاب. مضافاً بر استصحاب شک در تطهیر که قاعده این بود شک در تطهیر مساوی با عدم تطهیر است. دلیل هشتم وهن مذهب. الان دنیا بشنوند دشمنانی که در کمین نشسته اند، می گویند مسلمان ها پیروان اهل بیت با غسل استنجا تطهیر می شود، این باعث وهن و اهانت و هتک مذهب می شود. از این گونه موارد استفاده می کنند. و دلیل آخر هم این مورد که استفاده بشود بسیار ندرت دارد و بحثی که فوق العاده موردش نادر باشد، شایسته اسقاط است و در عصر فعلی قطعاً محل ابتلاء نیست. غسل استنجا مثل خرید و فروش برده می شود، از بازار عمل ساقط است. لذا این مسئله باید از نوشتار مسئله ساقط بشود. فقیه بزرگ آل یاسین و فقیه کاشف الغطاء و امام خمینی همه این سه بزرگوار دارد، کاشف الغطاء می فرماید: غسل استنجا نجسه و لکن غیر متعذیه، در حالی که ترشح می کند نجاستش متعدی نیست براساس نصوص، «لا يجوز به التطهیر مطلقاً». آل یاسین می فرماید: اقوی این است که غسل استنجا مورد عفو است «و لا یطهر»، همینطور سید خوانساری. و امام خمینی می فرماید: تطهیر ازاله خبث به وسیله استنجا خالی از اشکال نیست «و الاحوط عدم الجواز». پس آنچه که ما با ده دلیل دنبال کردیم، فقهاء هم فتوا می دهند که جایز نیست.

- [1] العروة الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج 1، ص 227، ط جديد.
- [2] المبسوط، شيخ طوسي، ج 1، ص 92.
- [3] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، ج 1، ص 155، ابواب مضاف، ب 9، ح 13، ط اسلاميه.